

Bierce, Ambrose بیرس، آمبروز، ۱۸۴۲-۱۹۱۴م
فرهنگ شیطان انگلیسی - فارسی / آمبروز بیرس؛ ترجمه رضی
خدادادی (هیرمندی)؛ ویراستار عبدالله کوثری، علی خزاعی فر. -
تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۴. ۲۳۵

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

The devil's dictionary. عنوان اصلی:
فارسی - انگلیسی.

این کتاب قبلاً تحت عنوان «دایرةالمعارف شیطان» با ترجمه
مهشید میرمیزی توسط انتشاران مروارید در سال ۱۳۸۰ منتشر شده
است.

۱. زبان انگلیسی - اصطلاحها و تعبیرها - لطیفه، هجو و طنز. ۲.
زبان انگلیسی - واژه نامه ها - لطیفه، هجو و طنز. ۳. زبان انگلیسی -
معنی شناسی - لطیفه، هجو و طنز. ۴. واژگان - لطیفه، هجو و طنز. ۵.
زبان انگلیسی - واژه نامه ها - فارسی. الف. هیرمندی، رضی، ۱۳۲۶.
- مترجم. ب. عنوان. ج. عنوان: دایرةالمعارف شیطان.

۸۱۷/۴

ف/۱۴۶۶ PS

ف ۹۳۳ ب

۱۳۸۴

۵۰۲۵ - ۸۴م

کتابخانه ملی ایران

فرهنگ شیطان

دوزبانه

آمبروز بیرس

ترجمه

رضی هیرمندی



فرهنگ معاصر

سال ۱۳۸۵



فرهنگ معاصر

شماره ۴۵، خیابان دانشگاه، تهران ۱۳۱۴۷

تلفن: ۶۴۶۵۵۳۰ - ۶۴۶۵۵۲۰ فکس: ۶۴۱۷۰۱۸

E-mail: farhangmo@neda.net

website: www.farhangmoaser.com

فرهنگ شیطان

دو زبانه

آمبروز بیرس

مترجم:

رضی هیرمندی

ویراستاران:

عبدالله کوثری - علی خزاعی فر

حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و چاپ:

واحد کامپیوتر و چاپ فرهنگ معاصر

چاپ اول: ۱۳۸۵ / تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده بازرگانی از این اثر اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری و یا تکثیر به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً، ممنوع و قابل تعقیب قانونی است.

پیشگفتار مترجم

یکی در خواب شیطان را دید. ریشش را گرفت که دشمن بشری و مایه هر شر. بیدار شد؛ ریش خودش در دستش بود.

اگر قرار باشد تنها یک کتاب از گزند کمانداران و نقابداران و نقدکاران روزگار در امان بماند، بی تردید همین فرهنگی است که در دست دارید زیرا هر انسان سربه راهی می‌داند که نباید به گفته‌های شیطانی گوش بسپارد؛ بر فرض که این زمزمه‌های وسوسه‌گرانه را بخواند یا بشنود هر آینه باید دهان خود را هفت بار با آب هفت دریا بشوید، هر گفته را در ذهن خود چپ و راست کند و سپس از آنها نتیجه اخلاقی بگیرد. اصولاً شیطان را چه کسی داخل آدم می‌داند که بیاید تحت تأثیر فرهنگ او قرار بگیرد؟

شیطان اگر ذاتاً آدم بود و حساب و حسابگری سرش می‌شد از روز اول فرصت آن چنان طلایی را از دست نمی‌داد و در نتیجه نه خودش را برای ابد انگشت‌نمای خاص و عام و آواره شهر و روستا می‌کرد و نه ما را گرفتار وسوسه‌های زورمندش. از این گذشته، شک کردن در مراتب عقل و هوش نخستین آدم متأهل جهان سند معتبری بر مسئله‌دار بودن شیطان یا همان فرشته مقرب سابق است.

حالا می‌رسیم به امبروز بیرس که نقش بلندگوی اولین شیطان دنیا را بازی کرده و برای او کلام زمینی صادر کرده است. مقدمتاً باید بگوییم فرهنگ‌نویسان بر دو نوع‌اند: آنها که طنز سرشان می‌شود و آنها که طنز سرشان نمی‌شود. بر پایه شواهد موجود، امبروز بیرس در گروه اول قرار می‌گیرد. این نویسنده به اصطلاح ناراحت و به دور از عافیت برای شماری از واژه‌های معصوم که ما هر روزه به عنوان روپوش و ستر عادت از آنها استفاده می‌کنیم، تعاریف و معانی وارونه ساخته و با این عمل نسبتاً شیطانی دست شیطان را هم از پشت بسته است.

فصل تقدم در این نوع نگاه و فرهنگ‌نویسی با سمیونل جانسون (۱۷۸۴-۱۷۰۹) است که با هشت سال زحمت و مرارت فرهنگ زبان انگلیسی (*Dictionary of the English Language*) را از خود به جا گذاشته اما حقیقت این که پیشگام‌تر از هر دوی آنها عبید زاکانی خود ماست که رساله تعریفات را نوشته است. درباره زندگی شخصی آبروز بیرس گفتنی است که او در ۲۴ ژوئن ۱۸۴۲ در اوهایو به دنیا آمد. بعضی او را برادر فراموش شده مارک تواین می‌نامند زیرا هر دو زندگی کم و بیش مشابهی داشتند، هم‌زمان در سانفرانسیسکو زندگی می‌کردند و بار گرمابه و گلستان هم بودند. اما معلوم نیست چرا بیرس ناگهان در راه غیب شدن گام نهاد.

بیرس در گیر و دار جنگ داخلی آمریکا در فاصله سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ به عنوان افسر در ارتش متحدین خدمت کرد و با اتکاء به تجربه نظامی و شغل نقشه‌کشی خود در جنگ، داستان‌ها نوشت. نخستین تجربه روزنامه‌نگاریش در *San Francisco News-Letter* و (۱۸۶۸-۷۲) *California Advertiser* بود.

می‌گویند او در زمان خود از چنان هیبت و هیمنه‌ای برخوردار بود که قلمش می‌توانست هر که را بخواهد روانه عرش اعلان کند یا برعکس به خاک سیاه بنشاند. بیرس در زمان خود به چنان جایگاه رفیعی دست یافت که او را «قادر متعال بیرس» و به سبب قلم‌نیشدارش «بیرس تلخ» می‌نامیدند.

در فاصله سال‌های ۱۸۸۷ تا ۱۹۰۶ ستون *The Prater* (وزاج) را می‌نوشت. در سال ۱۹۰۶ این جمله‌های قصار را با عنوان «واژه‌نامه آدم بدبین» منتشر کرد. اما در سال ۱۹۱۱ که مجموعه دوازده جلدی آثارش را به دست چاپ می‌سپرد، به منظور فاصله‌گیری هر چه بیشتر از مقلدانش، عنوان «فرهنگ شیطان» را زینت‌بخش واژه‌نامه خود کرد.

بیرس نویسنده و روزنامه‌نگاری سنت‌شکن و انقلابی بود. در هر قالبی که می‌نوشت (اعم از داستان ارواح، قصه، فانتزی، فرهنگ‌واره‌نویسی و مقاله‌های مطبوعاتی) همواره شیفتگی خود را به طنز نمایان می‌کرد.

بیرس در سال ۱۹۱۳ - یعنی در سن هفتاد و یک سالگی - خانه و کاشانه‌اش را رها می‌کند و خود را ناخوانده وسط معرکه انقلاب مکزیک می‌اندازد تا به روایتی

در کنار پانچو ویلا بجنگد. با این اطلاعات، بقیه ماجرا دیگر معلوم نیست. همین قدر می‌دانیم که در سال ۱۹۱۴ تقریباً گم می‌شود و دیگر «آن را که خبر شد خبری باز نیامد.» به این ترتیب، کسی که از طریق داستان‌نویسی و واژه‌نگاری سال‌ها بر کار مخلوقات گوناگون انگشت می‌گذاشت، سرانجام خود با مشت غیبی سر به نیست می‌شود و آثار او برجا می‌ماند.

حال خودتان حساب کنید فرهنگی که از نگاه شخص شیطان و با قلم نویسنده‌ای با اوصاف یاد شده به رشته تحریر درآید تا چه پایه خواندنی است، گیریم که به کار آمدنی نباشد.

مترجم این فرهنگ با مقدار بی‌آنکه سودای پی گرفتن راه امپروز بیرس مجهول‌العاقبت را در سر داشته باشد، به زعم خود خواسته است در امر خیر فرهنگ‌سازی گامی بردارد هرچند احتمال می‌رود در عمل سر از جای دیگری درآورده باشد. خدا را شکر که گفته‌اند: «الاعمال بالنیات».

متن انگلیسی اثر شاخ و برگ و برو بار بیشتری از ترجمه حاضر دارد. مترجم، با ذوق و سلیقه خود و با توجه به شرایط موجود، به دستچین کردن مدخل‌ها و شرح و تعریف‌ها پرداخته و به مصداق کاجی به از هیچی همه مطالب قابل ترجمه و انتشار را به فارسی برگردانده و به ناچار باقی را به امان خدا سپرده است.

در باب ویرایش کتاب، دو سپاس از دو دوست واجب است. نخست از عبدالله کوثری که بیش از ۱/۳ کتاب را فاضلانه ویراست اما به علت گرفتاری از ادامه راه بازماند. دوم از دکتر علی خزاعی فر که ویرایش باقی‌مانده متن را با روی گشاده پذیرفت و کار را با حوصله و دقت ستودنی به پایان برد.

پیشگفتار کنایه آمیز آمبروز بیرس
بر فرهنگ شیطان، چاپ ۱۹۱۱

فرهنگ شیطان در سال ۱۸۸۱ در یک مجله هفتگی آغاز شد و تا سال ۱۹۰۶ به طور پراکنده و با فاصله ادامه یافت. در این سال بخش بزرگی از آن به صورت کتاب و با عنوان واژه نامه آدم بدبین به چاپ رسید و این نامی بود که مؤلف نه قدرت رد آن را داشت و نه سعادت تأیید آن را. به گفته ناشر اثر حاضر:

این نام محترمانه تر از فرهنگ شیطان را دغدغه های مذهبی آخرین روزنامه ای که بخشی از کتاب در آن آمده بود پیشاپیش بر نویسنده تحمیل کرده بود و پی آمد طبیعی اش این بود که قبل از انتشار این نوشته به صورت کتاب، جماعت کتاب ساز سرتاسر کشور را با ده ها «بدبین» نامه پر کرده بودند: فلان نامه آدم بدبین، بهمان نامه آدم بدبین و هكذا نامه آدم بدبین. بیشتر این تقلیدنامه ها احمقانه بود، اگر چه برخی از آنها نشان سبک مغزی نیز با خود داشتند. باری، چنان آبرویی از واژه «بدبین» بردند که هر کتابی این اصطلاح را بر خود داشت پیشاپیش بی اعتبار شده بود.

نیز در همین گیرودار، برخی از طنزپردازان جسور و مبتکر کشور بر سر این خوان بغما نشسته و به قدر نیاز از آن برخوردار شده بودند و دیگر بسیاری از تعاریف، لطایف و جملات آن ورد زبان همگان شده بود. ادای این توضیح نه به جهت اثبات فضل تقدم در چیزهای ناقابل بلکه صرفاً به خاطر تبرّأ از سرقت ادبی است که البته امر ناقابل نیست. نگارنده این فرهنگ که دنباله کار خویش گرفته است امید آن دارد که حضرات روشن بینی که این کتاب روی سخن با ایشان دارد حکم بر بی گناهی اش

صادر کنند - منظور کسانی هستند که شراب تلخ را بر شراب شیرین، عقل را بر احساس، بذله‌گویی را بر شوخ‌طبعی و انگلیسی سمره را بر انگلیسی عامیانه ترجیح می‌دهند.

از جمله ویژگی‌های چشمگیر کتاب که امیدواریم خصوصیت نامطبوع آن شمرده نشود گفته‌های فراوان و روشنگری است که از شاعران سرشناس نقل شده است و در رأس آنان کلمات روحانی هوشمند و فرهیخته، پدر گاسالاسکا جیپ^۱ قرار دارد که با امضای جی. جی. مشخص شده است. نگارنده متن حاضر خود را عمیقاً مدیون یاریها و تشویقهای محبت‌آمیز پدر جیپ می‌داند.

آ. ب.

1. Father Gassalasca Jape, S.J.